

تأثیر دین در رفتار اخلاقی

زینب اسدی^۱

چکیده

موضوع دین و اخلاق سابقه طولانی دارد اما مبحثی که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته، نیاز اخلاق به دین و اعتقادات دینی و تأثیرات دین بر اخلاق انسانی است و ادعاهایی هم از سوی دینداران مطرح شده که تنها دین و دین داری است که به کمک اخلاق انسانی آمده و رفتار انسانی را در امور معنوی بهبود می بخشد و مهمترین نقشی که دین ایفا می کند در حوزه اخلاق است. اخلاق جزء ملکات نفسانی است که در باطن انسان قرار دارد و انسان را به عمل و می دارد این افعال یا اخلاقی اند یا ضد اخلاق. از منظر دین اسلام، ایمان و عمل صالح که در قرآن به آن اشاراتی شده است با اخلاق ارتباط نزدیک و محکمی دارند اگر بگوییم یکی از اهداف رسالت پیامبر و شاید اصلی ترین هدف آن بهبود اخلاق بشر است بیهوده نگفته ایم.

کلید واژه‌ها: اخلاق، اخلاق انسانی، دین

^۱ - طلبه سطح ۲ حوزه علمیه حضرت نرجس سلام الله علیها

مقدمه

ارتباط دین و اخلاق در مباحث فلسفی و اخلاقی از دیرباز مورد توجه بسیاری از اندیشمندان بوده است و رابطه آنها از جهات گوناگون مورد بحث قرار گرفته است. البته دیدگاه‌های مخالف و موافقی وجود دارد که در این مقاله فقط دیدگاه‌های موافق مورد توجه قرار گرفته است. آنچه مورد بحث است و می‌توان بحث آن را دنبال کرد، رابطه دین و اخلاق در عمل است که دین چگونه برافکار و باورهای شخص اثر می‌گذارد و چگونه بر رفتار تاثیر می‌گذارد و چگونه سبب شکوفایی و پیشرفت علم میشود؟ اخلاق در اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است و اسلام به اخلاق توجه ویژه‌ای دارد دین در فراهم آوردن ضمانت اجرایی و تقویت انگیزه درونی و ایجاد روحیه آرامش و شکوفاکردن باورها به یاری اخلاق می‌شتابد.

مفهوم شناسی

واژه دین در لغت معنای مختلفی دارد ولی لغت شناسان اینگونه بیان کرده‌اند:

۱- دین به معنای جزاء: الدّین: معروف، والجمیع الادیان، و رجلٌ دینٌ . والجزاء.....؛ ولله دینٌ یوم الدّین^۱. جمع آن ادیان است مانند اینکه بگوییم خداوند مردم را روز قیامت جزا می‌دهد.

۲- دین به معنای طاعت: «الدّین طاعه، یقال دان له یدین دیناً اذا اصْحَبَ و انقاد وطاع^۲».

۳- دین به معنای قضاء «القضاء من قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: «کما تَدینُ تُدانُ^۳».

۴- به معنای عادت در کتاب العین آمده است: «الدّینُ العاده^۴».

۵- به معنای حکم «الدّین الحکم^۵».

خلاصه اصل دین همان اعتقادات درونی نسبت به شرایع و مذاهب است که با توجه به این آیه روشن می‌شود: «لکم دینکم ولیّ دین^۶» که دین یعنی همان اعتقادات درونی به هر مذهبی که باشد.

واژه دین در اصطلاح

اصول دین به باور پژوهشگران قدیمی‌ترین و تاثیرگذارترین نهاد اجتماعی که مورد قبول ملت‌ها در طول تاریخ بوده و هست ولی در مفهوم اصطلاحی دین اختلافات شدیدی است . بنابراین به دو تعریف از دیدگاه دانشمندان اسلامی اکتفا می‌کنیم:

۱- آقای جواد آملی در تعریف دین می‌گوید: «دین مکتبی است که از مجموعه عقاید اخلاق و قوانین و مقررات اجرایی تشکیل شده و هدف آن راهنمایی برای سعادت‌مندی است^۷».

^۱ - صاحب بن عماد، کافی کفات، المحيط فی اللغة، ج ۹، ص ۳۶۰

^۲ - احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۱۹

^۳ - صاحب بن عماد، کافی کفات، المحيط فی لغة، ج ۹، ص ۳۶۰

^۴ - فراهیدی، حلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۱ ص ۲۸۰

^۵ - جمال الدین ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۵

^۶ - سوره کافرون، آیه ۶

^۷ - جواد آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، ص ۲۴

۲- آقای مصباح یزدی در تعریف دین می‌گوید: «دین اصطلاحاً به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستوره‌ای عملی متناسب با این عقاید می‌باشد»^۱.

میان این دو تعریف تعریف اول مناسب‌تر است زیرا اگر تعریف دین را به دو بخش تقسیم کنید تعریف اول به هر دو بخش اشاره شده است:

۱- عقیده. اساس و ریشه دین همان عقیده درونی است.

۲- دستوره‌ای عملی متناسب با آن اصول که فروع دین نام دارد.

مفسران هم تعاریفی از دین کردند که به نظر می‌رسد بهترین و کامل‌ترین تعریف از علامه طباطبایی می‌باشد. ایشان تعریف دین را اینگونه بیان داشتند:

۱- دین روش ویژه‌ای در زندگی دنیوی است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ، همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او را تامین می‌کند از این رو لازم است شریعت دربرگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسان پاسخگو باشد^۲.

۲- دین عبارت است از اصول عملی و سنن و قوانین عملی که عمل به آنها سعادت حقیقی انسان را تضمین می‌کند پس لازم است دین با خط با خطرات انسانی هماهنگ باشد و به آنچه آفرینش انسان اقتضای آن را دارد پاسخگو باشد چنانچه مفاد آیه فطرت: «فأقم وجهک للّٰدین حنیفاً فطره الله التّٰی فطره النّٰس علیها» همین است.^۳

واژه اخلاق در لغت

کلمه اخلاق جمع خلق است که به معنای شکل درونی انسان و سرشت است. به صفات روحی و باطنی که در انسان وجود دارد اخلاق گفته می‌شود و به رفتارهایی که از این اخلاقیات سر می‌زند رفتار اخلاقی می‌گویند. به گفته لغت شناسان خُلُق و خَلَق از نظر آوایی متفاوت است ولی از نظر معنایی یکی است. اگر بخواهیم به شکل ظاهری افراد اشاره کنیم از واژه خَلَق استفاده می‌کنیم ولی اگر بخواهیم از ویژگی‌های درونی تعبیر کنیم از واژه خُلُق استفاده

^۱ - مصباح یزدی محمد تقی آموزش عقاید، ج ۱، ص ۲۷.

^۲ - طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۲، ص ۱۳۰

^۳ - همان، ج ۱۶، ص ۱۹۳

می‌کنیم به همان معنایی که در قرآن درباره خلق و خوی پیامبر آمده است: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۱ در نتیجه می‌توانیم اخلاق را به معنای ویژگی‌های روحی و نفسانی بدانیم که باید در وجود فرد ملکه شده باشد که گویی جزئی از سرشت او گردیده است.

اخلاق در اصطلاح

دانشمندان اسلامی تعابیر گوناگونی از اخلاق دارند بعضی از آنها اخلاق را اینگونه تعریف کردند: صفات پایدار در نفس که باعث می‌شود کارهای متناسب با آن صفات به طور خودجوش و بدون تفکر از انسان سر بزند.^۲

برخی بر این باور هستند که اخلاق تنها در مورد صفات خوب به کار می‌رود و افعال اخلاقی جایی به کار می‌رود که دارای ارزش مثبت باشد یعنی اگر کار ناپسند انجام دهد به این کار غیر اخلاقی گفته می‌شود.^۳

مرحوم فیض کاشانی در مورد اخلاق می‌فرماید: «خلق عبارت است از هیئتی استوار و ثابت در نفس که افعال به آسانی از او صادر می‌شود. بدون اینکه به فکر نیاز افتد اگر این حالت نفسانی منشأ صدور افعال مورد پسند، عقل و شر باشد، خوی حَسَن نام دارد و اگر افعال زشت و ناپسند از او سر بزند خوی بد نام دارد».^۴

ارتباط دین و اخلاق

هرگاه انسانی بوده و زندگی می‌کرده اخلاق و دین هم وجود داشته است. دین و اخلاق دو همسفر به درازای عمر بشرند. در مسائل جدید کلامی و فلسفه‌ی اخلاق تحت عنوان تعامل دین و اخلاق مورد بحث قرار می‌گیرد. آیت الله مصباح یزدی در کتاب فلسفه‌ی اخلاق سه نظریه درباره ارتباط دین و اخلاق بیان کرده‌اند:

^۱ - سوره قلم، آیه ی ۴

^۲ - فیض کاشانی، محمد حسین، المهجه البيضاء، ج ۵، ص ۹۵

^۳ - مصباح یزدی، محمد تقی، دروس از فلسفه اخلاق، ص ۱۰

^۴ - فیض کاشانی، محسن، المهجه ی البيضاء، ج ۹، ص ۹۵

۴- علامه جعفری می‌گوید همانگونه که می‌توان از وجود ایمان و به اعمال صالح شخص مومن پی برد و از اعمال صالح نیز می‌توان به ایمان شخص پی برد این همان کشف الزامی است که ایمان و اعمال صالح با یکدیگر دارند کشف اعمال صالح از ایمان کشف معلول از علت و کشف ایمان از اعمال صالح کشف علت از معلول خویش است. بنابراین؛ هر دو کشف بر مبنای مناسبات علت و معلول است. اگر ایمان وجود نداشته باشد امکان استناد اعمال صالح به خداوند نخواهد بود و اگر اعمال کسی شایستگی و صلاحیت لازم را نداشته باشد کشف از آن می‌کند که شخص ایمان ندارد.^۱ حاصل این روایت این است که ادعای ایمان و اعتقاد به خداوند مستلزم عمل صالح است و از سوی دیگر عمل و رفتار سالم نشانه وجود اعتقادی سالم است عکس این قضیه نیز صادق است یعنی بی اعتقادی یا ضعف اعتقاد و ایمان نیز در بروز رفتارهای بد و ناشایسته تاثیر دارد متقابلاً رفتار بد در کاهش ایمان نیز نقش دارد. از این رو قرآن کریم هر جا سخن از ایمان به میان آورده در کنار آن عمل صالح را نیز ذکر کرده است، ۵۲ مرتبه ایمان و عمل صالح را در کنار همدیگر ذکر نموده است.^۲

تاثیر عمل صحیح در شکوفایی ایمان

هر عمل و رفتار سالم و درستی که انسان انجام می‌دهد در روح و جان او اثر مثبت می‌گذرد و تکرار رفتار و عمل صالح این اثر را دارد که تیرگی‌ها و کدورت‌ها را از دل و جان انسان بزداید و به جای آن روشنایی بیاید و زمینه برای بروز شکوفایی هرچه بیشتر ایمان فراهم شود و در نتیجه نور ایمان تمام وجود چنین انسانی فرا گیرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ] ^۳ ای اهل ایمان! اگر (درهما امورتان) از خدا پروا کنید، برای شما (بینایی و بصیرتی ویژه) برای تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد گناهانتان را محو می‌کند، شما را می‌آمرد؛ و خدا دارای فضل بزرگ است. منظور از فرقان همان بصیرت روح و جان است؛ بنابراین پرهیزکاری و رعایت تقوای الهی سبب بصیرت و روشنایی دل و جان و در نتیجه شکوفایی ایمان و راسخ شدن و اعتقادات صحیح و حق است؛ چون معرفت مومن عمیق‌تر گردد و عمل صالح او بیشتر شود ایمان او نیز استواری بیشتری می‌گیرد. ایمان نیز دارای مراتبی است. امام صادق فرمود است

^۱ - همان

^۲ - همان

^۳ - سوره انفال، آیه ۲۹

ایمان مانند نردبانی است ۱۰ پله دارد و پله‌های آن یکی پس از دیگری پیموده می‌شود.^۱ از آیات و روایات به خوبی برمی‌آید که حقیقت ایمان دارای مراتبی است و آدمی باید هر لحظه بکوشد تا ایمان خود را توانمندتر سازد و باید امور زیر را رعایت کند: ۱- در برابر عوامل و نواهی خداوند تسلیم گردد نه آنکه به برخی احکام ایمان آورده و به برخی دیگر کفر ورزد. ۲- به متعلقات ایمان علم یابد بر این علم خویش پیوسته بیفزاید و دلایل روشنی برای آن پیدا کند و اگر با شبهاتی مواجه است با دلایل روشن آنها را از میان بردارد. ۳- به متعلقات ایمان بیشتر توجه کند و پیوسته به یاد خدا و قیامت باشد. ۴- بکوشد تا به لوازم ایمان پایبند باشد. اگر ایمان و عقیده دارد که خداوند ناظر اعمال آدمی است. در برابر چنین خدایی گناه نکند و اگر می‌داند در قیامت به تمام اعمال رسیدگی می‌شود پیوسته روز قیامت را به یاد آورد تا نگذارد هوای نفس بر او غلبه کند و فرمان خدا را زیر پا گذارد. اگر افکار و اعتقادات انسان بر مبنای صحیح نباشد بلکه دچار انحرافات اعتقادی و یا حتی بی‌دینی باشد معلوم است که چنین مسئله‌ای تاثیر منفی بر روی اعمال و رفتار او می‌گذارد و طبیعتاً از چنین انسانی رفتار زشت و ناشایست سر می‌زند. شواهدی از قرآن هست که می‌فرماید: [قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا]^۲ هر کس بر پایه خلق و خوی و عادت‌های اکتسابی خود عمل می‌کند، پس پروردگارتان به کسی که راه یافته‌تر است، داناتر است.

^۱ - کلینی، محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵

^۲ - سوره اسراء، آیه ۸۴

نتیجه‌گیری

اخلاق جمع خلق است ملکه ای را می‌گویند که مقتضی سهولت صدور فعل بدون تفکر و تأمل است ملکات مربوط به قوای نباتی و حیوانی انسان است. از مباحثی که مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که دین تاثیر خاصی به عمل اخلاقی دارد و درجاتی که الزامات اخلاقی در انسان ایجاد انگیزه برای انجام عمل اخلاقی نکند دین با ابزارها و سازوکارهای خاصی انگیزه لازم را ایجاد می‌کند. قواعد اخلاقی همانند قوانین حقوقی نیاز به ضمانت اجرا دارند دین می‌تواند به پشتوانه ثواب و عقاب اخروی این ضمانت را تامین کند. با توجه به آنچه که از خدمات دین و اخلاق ذکر شد دین در حوزه ی اخلاق به تبیین و تربیت عمل اخلاقی و دین در حوزه اخلاقی نقش‌ها ی مهم و کلیدی بر عهده دارد؛ نقش دین در قلمرو اخلاق پایگاهی معرفتی توجهی و رائه می‌نماید.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱- ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، بیروت- لبنان، دار الفكر للطباعة والنشر التوزيع-دار صادر، ۱۴۱۴ هجری قمری

۲- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس الغت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ هجری قمری

۳- آملی، جوادی، انتظار بشر از دین، تحقیق و تنظیم محمدرضا مصطفی پور، قم، اسراء، ۱۳۸۰ هجری شمسی

۴- بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، مؤسسه الاعلمی، ۱۱۰۹ هجری قمری

۵- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲۶

۶- حسینی، سید اکبر، واقع گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳ هجری شمسی

۷- صاحب بن عباد، کافی الکفات، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت- لبنان، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ هجری قمری

۸- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامع مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ هجری شمسی

- ۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، ناشر اسوه، ۱۴۲۵ هجری قمری
- ۱۰- فلسفی، محمدتقی، معاد از نظر روح و جسم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱، ج ۱
- ۱۱- کاشانی، محسن، المہجہ ی فی تہذیب الاحیاء، قم، جامعہ المدرسین، مؤسسہ نشر، ۱۴۲۹ هجری قمری
- ۱۲- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارالصعب، ۱۴۰۱ ق
- ۱۳- گیلانی، عبدالرزاق، شرح فارسی مصباح الشریعہ و مفتاح الحقیقہ، ترجمہ جمال الدین ارموی، تہران، نشر صدوق، ۱۳۶۰ هجری شمسی.
- ۱۴- مصباح یزدی، محمد تقی، دین و اخلاق، قبسات، شمارہ ۱۳
- ۱۵- مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفہ اخلاق، قم، انتشارات مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ هجری شمسی
- ۱۶- مطہری، مرتضی، فلسفہ اخلاق، یازدہم، تہران، صدرا، ۱۳۷۲ هجری شمسی
- ۱۷- منتظری، حسن علی، اسلام دین فطرت، تہران، سایہ، ۱۳۸۸ هجری شمسی
- ۱۸- مونسما، جان کلور، اثبات وجود خدا، بہ ترجمہ احمد آرام و دیگران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳، ص ۹۶.

مقالات

- ۱- ہاپ واگر، لوئیس، دین بہ زندگی معنا می بخشد، ۱۹۸۹م